

روشنفکری: آنگاه کاذب و
ایده نولوژی
هومن قاسمی

www.minooyekherad.com

فهرست

پیشگفتار	۸
اختصارات	۱۲
فصل اول: درآمد	۱۶
یادداشت‌ها	۲۵
فصل دوم: ادعای کاذب، و ایده‌نولوژی	۳۶
یادداشت‌ها	۹۴
فصل سوم: مضمون تدبیر ایده‌نولوژی	۱۰۸
یادداشت‌ها	۱۷۷
فصل چهارم: انقلاب و روش‌شناسی	۱۸۴
یادداشت‌ها	۳۶۰
نمایه اشخاص	۳۹۶
نمایه اماکن	۴۰۴
نمایه کتب، رسائل، و مجلات	۴۰۸
منابع و مأخذ	۴۱۴

ماجرا

دفتر حاضر رساله‌ای است که مقدمات پژوهشی آن از سال ۱۳۸۹ آغاز شد و نگارش نسخه اولیه آن به زمستان ۱۳۹۳ پایان یافت. زیرگیری و تکمیل آن در خلال دو سال بعد ادامه داشت، تا آن‌که در بهمن‌ماه ۱۳۹۵، نگارنده - خود را به انتشار آن راضی کرد. این رضایت، نه از جهت پرورش موضوع به حد مطلوب، بلکه رضایت به تحقق توان نگارنده بود در پرداختن به موضوع. تلاش برای تحلیلی رصیع (که گستردگی و روابط و مناسبات آن با دیگر موضوعات هراتویی را می‌ماند) در بحث باحث این رساله، در طول آن سال‌ها به مسئله دائمی نگارنده بدل شد؛ که هر چه بحث و امر می‌گشت، موضوع به حق تمایل داشت تا سرازده‌ها مطلب دیگر نیز درآورد و وسعت بحث و امر و خود را به رخ بکشد. به همین سبب، آن‌چه در این رساله تحدید شده، نمونه نامحتمل سرزمین پهنآوری است که نگارنده جز ترسیم مَظاف و تشخیص عوارض و راه‌های عمده آن را نتوانسته است. شهرهای کوچک و بزرگ این سرزمین، گاه متروکه و گاه سرزنده، که برای ثبت مختصات و وصف جایگاهشان در این مساحتی از آن‌ها عبور شد، جز به ضرورت راهی که نگارنده در آن بود، در مسیر ظاهر نشدند، و آن‌چه نیز از آن‌ها جمع‌آوری شد، جز به قدر بضاعت نگارنده، تهیة نشد. با این حال، این امیدواری حفظ شده است که

نقشه حاصله، دیگرانی را که با بضاعت و امکانات بهتر، و شاید از راه‌های دیگر، قصد مشاحی یا سیاحت آن کنند، به کاری آید.

شرایط امکان این مشاحی اما، محقق از «تأمل» جناب آقای استاد دکتر جواد طباطبایی درباره ایران بوده است. بدون تلنگری که آثار «تأمل» ایشان از او خرده‌ه ۱۳۷۰ شمسی، گویا برای همیشه، خواب از چشم نگارنده ربود، و چشمان او را درون تاریکی ذهنش و بر ظلمات عالمش گشود تا به نور آن «تأمل» دریافتن راه خویش تقلا کند، به سالیان بعد، خصوصاً در تلو شرکت در کلاس‌های عمومی ایشان در مؤسسات مختلفی در تهران، آن بُنیه فراهم نمی‌شد و آن مایه تهیت نمی‌گشت که نگارنده به نگارش چنین رساله‌ای خطر کند. «تأمل» دکتر طباطبایی والگوری پژوهشگر متبلور در آثارش را می‌توان تنها منبع نور در شب کنونی اندیشه و اندیشیدن تاریخی در ایران زمین به شمار آورد. در شرایطی که دود مدام و هر دم فزاینده تولیدات عاطل و عبث روشنفکری، سده‌ای است که بر حقیقت را پنهان کرده، شعله‌ای کز سینه آن «تأمل» در آسمان اندیشه از فطرت دوماه‌آبری و سیاه‌آلود ایران زمین گرفته، تنها خورشیدی است که می‌تواند راه و بیراه را روشن کند. هر چند، به قدمت تاریخ ایران، پرستندگان خورشید نیز دل به تشعشع نور قور می‌دارند و ره‌خواهان ظلمت نیز خیال خاموشی آن را می‌پزند، اما متحیران ظهور این خورشید، «مَدْرَسَتِ مَتَّعَلِمِ تَنْوِیرِ آن و مُتَرَصِّدِ اِنْبِساطِ آن و مُتَعَقِّبِ هَرِ بَسطِ آن، در خود آن انکشاف، مستحضر تأمل می‌کنند.

سرزمینی که در این رساله گزارشی از سیم و دین ذکر شده است، با چراغی مأخوذ از آن منبع نور روشن شد و به دیده درآمد. این سخاوت، در «درآمد» این رساله عیان شده است و نگارنده نیز قصد آن دارد تا عیان بودن آن را بیش از پیش اعلام کند؛ که «درآمد» این رساله، فی الواقع، جز تجمیع مفادی از آن «تأمل» ربلا می‌باشد، ای بخشیدن نظمی دگر باره و دادن بسطی به آن‌ها نیست. به عبارت دیگر، «درآمد» این رساله، ورود از دری بوده که به همت آن «تأمل» گشوده، و افتادن به راهی بوده که به نور همان اشکار شده است.

ملاحظات

در نگارش این رساله سه ضابطه اعمال شده‌اند: نخست، همه کلمات زبان‌های خارجی، در نقل مستقیم از متون حاوی آن‌ها در خود متن رساله و درون پرانتز به عنوان اصل معادل فارسی ذکر شده‌اند — برای نمونه، در نقل مستقیم مکتوبی از انگلس: «... تا به خاطر وجوه مادی (inhaltlichen) از جانب امر صوری (die formelle) و...».

دوم، تمام ارجاعاتی که مستقیماً و اصل کلمات معادلی که غیر مستقیماً به متن مربوطند، در «پانویست» ها — معلوم با آثک اعداد عربی (۱، ۲، ۳، ...) — آمده‌اند، و ارجاعاتی که غیر مستقیم مرتبط به، و یا موضح حاشیه‌ای از متن بوده‌اند، در «یادداشت‌ها» — معلوم با اعداد عربی درون کروشه (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، ... — طبیعتاً دیگر حواشی و توضیحاتی که ربطی به ارجاعی نداشتند نیز در «یادداشت‌ها» ذکر شده‌اند.

سوم، اقوال فارسی، خصوصاً در فصل چهارم، مطابق رسم الخط اثر اصلی نقل شده‌اند. امری که عدم توجه به آن ممکن است همچون تشنّت صوری متن رساله به نظر آید. برای نمونه، با آن که رسم الخط مختار این رساله، نگارش «ایده‌نولوژی»، و پیشوند مضارع «می» و پسوند «ها»ی جمع با فاصله چسبان — مانند «می‌روم» و «کتاب‌ها» — است، اگر نقل قولی از یک کتاب، مجله، و غیره، «ایده‌نولوژی»، «می‌روم»، «می‌روم»، «کتاب‌ها» یا «کتاب» آمده باشد، به همان صورت اصلی حفظ شده است. این امر نه تنها تشنّت رسم الخط فارسی را یادآوری می‌کند، بلکه در بیش‌تر موارد سبب می‌شود میان نقل قول و سخن نگارنده اصله‌ای قابل تشخیص بماند.

سپاسگزاری

بدون حمایت سرکار خانم پروانه سعیدزاده، مدیر محترم انتشارات مینوی خرد، انتشار این رساله ممکن نبود. از ایشان بسیار سپاسگزارم. روزی که توفیقات روزافزون برایشان. دو دوست عزیز، بزرگوارانه وقت خود را به خوان «نخستین خوانندگان» این اثر صرف کردند و نکاتی چند را متذکر شدند. از ایشان به‌ویژه سپاسگزارم و در برابر مکانت فکری و وجاهت شخصیتی ایشان سر تعظیم فرود می‌آورم.

و این رساله را، به حکم پیشکشی ناقابل، به همسر محترم من می‌کنم که هر روز به نجات من از آوار این جهان آمده است.

هومن قاسمی

پاییز ۱۳۹۶، تهران